



عملیات سایبری منافقین علیه جمهوری اسلامی ایران در کشور آلبانی

پس از ورود منافقین به آلبانی، وزارت دفاع آلبانی حدود نهصد لپ تاب و کامپیوتر و صفحات مربوط به فضای مجازی را در اختیار منافقین قرار داد.

اتاق جنگی که ما به آن یگان عملیات سایبری منافقین می گوئیم، شامل کادر های پیر و پاتال و بالای سن شصت سال هستند که در آلبانی مستقر هستند و اینها عملیات جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران را با ایجاد صفحات فیک در تلگرام و فضای مجازی، انتشار اخبار و پیامک های غیر قانونی، تهییج و انتقال رویه ها و روایت های غیر حقیقی از حوادث ایران و تشدید احساسات انجام می دهند.

در فیلم هایی که از آلبانی توسط منافقین منتشر شده است، عملیات های منجر به تخریب و آموزش نارتجک، عملیات های استفاده از موشک های سردوش با لوله های پلیکا و یا روش های بسیار تخریبی که آموزش داده می شد، در شبکه های مجازی پخش شده است و اسناد و مدارک همه اینها در اختیار مقامات و روی میز آلبانی ها و فرانسوی ها قرار گرفته است.

توسط پلیس آلبانی گفته شده است که منافقین برخلاف تعهدات و برخلاف توافقی که با دولت آلبانی داشتند، دست به اقداماتی زدند که بخشی از آن اقدامات عملیات سایبری، عملیات تحریک فضای شناختی در رابطه با اقدامات خشونت بار در داخل ایران و عملیات هک و جاسوسی از زیرساخت های جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آلبانی ها از اطلاعاتی که نسبت به منافقین به دست آوردند، به این نتیجه رسیدند که بخشی عمده ای از عملیات های سایبری که با حمایت و پشتیبانی فنی اسرائیل در داخل ایران انجام شده است و موجب اختلال در فولاد، اختلال در بخش هایی از انرژی، اختلال در بخش های فرهنگی و اختلال در بخش های حمل و نقل شده است، این عملیات ها تماماً با کمک اسرائیل از پایگاه تیرانا توسط منافقین انجام شده است.

کلافه شدن کشور آلبانی از فعالیت های منافقین

چه اتفاقی می افتد که در یک کشوری مانند آلبانی، پلیس بر اساس استنادات قانونی و قضایی بالادست، وارد محل نگهداری مهمان خودش می شود و میهمان آن کشور، با پلیس آن کشور می جنگد و درگیری می شود و حدود سی و چند نفر از پلیس ها را زخمی می کند؟ عملاً آنچه اتفاق افتاد این بود که در رصد اطلاعاتی دولت آلبانی و غرب نسبت به منافقین، اطلاعاتی به دست آمده که این اطلاعات نشان دهنده این است که منافقین آلبانی را مرکز اقدامات تروریستی و اقدامات سایبری شناختی برای ایجاد خشونت در داخل ایران، تبدیل کردند و این موضوع برای دولت آلبانی بسیار سخت است که کشورش، محل جنگ با یک دولت مقتدری شود که باید پاسخگوی آن باشد و هزینه های لازم را بپردازد.

در دوسه سال گذشته نیز بسیاری از کسانی که از سازمان مجاهدین خلق، با سختی جدا شدند اقدام به افشای حقایق مربوط به درون این تشکیلات کردند و همین موضوع مسئولان آلبانی و اروپایی را به این وادار کرد که با خود بگویند مگر در پایگاه منافقین چه می گذرد و چه اقداماتی شکل می گیرد؟

به نظر می رسد اطلاعاتی که منجر به تصمیم دادگاه آلبانی برای بازرسی و تفتیش پایگاه منافقین شد، سرخ های بدست آمده ای باشد که آلبانی ها از حضور و استمرار فعالیت منافقین در کشورشان به دست آورده اند، بخشی از این سرخ ها، استفاده از کشور آلبانی برای یک جنگ سایبری و شناختی علیه کشور قدرتمندی مانند جمهوری اسلامی ایران است و بخشی هم که بسیار خطرناک است این است که منافقین در مناسبات داخلی کشورها نیز دخالت می کنند.

چراغ سبز امریکا و فرانسه

عده های یورش پلیس آلبانی به پادگان منافقین را به چراغ سبز نشان دادن امریکا و فرانسه به جمهوری اسلامی ایران، تعبیر کردند چرا که پیش از آن یک گفت و گویی بین رئیس جمهور کشور ما با مکرون به صورت ۹۰ دقیقه ای وجود داشت و در این مدت هم امریکایی ها، یکسری پیام ها به جمهوری اسلامی ایران دادند، برای این تعبیر هم می توان گفت که، اینکه این اتفاق بین ایران و آلبانی بوده است را بنده کاملاً رد می کنم چرا که هیچ روابط دیپلماتیکی بین ایران و آلبانی وجود نداشته است و سفارتی هم در این کشور نبوده است، اما اینکه در پس یک چراغ سبزی، امریکایی ها و فرانسوی ها خواستند به جمهوری اسلامی ایران، یکی پیامی را برسانند بسیار محتمل است. علت این موضوع هم این است که منافقین در سال هایتمادی، از دهه شصت تا به امروز، وعده های بسیاری داده اند و گفته اند که آنها عنصر اساسی در کف میدان برای براندازی جمهوری اسلامی ایران هستند که این وعده ها محقق نشدند.

جدا از اینکه منافقین در شکاف ها زیست می کنند، قدرت سراب ایجاد کردنشان هم بسیار بالاست، برای مثال وعده های سرنگونی، وعده های براندازی، اطلاعات دروغ نسبت به حقایق داخل جمهوری اسلامی ایران، تولید شبهات، از سراب نهایی است که منافقین ایجاد کرده اند و خودشان را کنشگر و بازیگر اصلی صحنه براندازی جمهوری اسلامی ایران نشان داده اند، اما این تصویر با آنچه در عمل دارد اتفاق می افتد، متفاوت است.

بیانیه وزارت خارجه امریکا در مورد منافقین

غرب به این نتیجه رسیده است که منافقین آن چیزی که گفته می شد نیستند و این دقیقاً در بیانیه وزارت خارجه امریکا در حادثه آلبانی، آمده است که می گوید منافقین نماینده واقعی اپوزیسیون مردم ایران نیستند. این کلام خیلی مهم است که وزارت خارجه امریکا در رابطه با منافقین اینجین می گوید که مردم ایران اصلاً منافقین را نماینده خودشان نمی دانند. دومین نکته، مطرود بودن منافقین نزد اپوزیسیون خارج از کشور است، شما نگاه کنید که در تمام اتفاقات ۱۴۰۱، هر کجا که منافقین خواستند در آن گردهمایی ها مشارکت کنند و پرچم و بیانیه خودشان را بالا ببرند، آن اپوزیسیون ها با منافقین به شدت درگیر شدند. یعنی یک فهم مشترک وجود دارد و آن هم این است که منافقین رایک جریان تمامیت خواه، انحصارطلب، دروغگو و خشونت طلب می دانند.

منافقین آن چیزی که می گویند نیستند

این نکته مهم است که اروپایی ها و حتی فرانسوی ها به این نتیجه رسیده اند که منافقین آن چیزی که می گویند، نیستند و این تصور جدید چراغ سبزی است که به ما نشان داده شده است.

اگر ما کشور مؤثر نبودیم، این اتفاقات خوب نمی افتاد و اگر امروز آن کشورها، به این نتیجه رسیدند که باید با منافقین برخورد کنند، به خاطر این است که آنها می دانند الزامات همکاری با کشور قدرتمندی مانند ایران، این است که اجازه ندهند از طریق خاک سرزمین شان منافع ملی و امنیت ملی ایران به مخاطره بیفتد.

جاسوسی منافقین برای شوروی

پیش از انقلاب اسلامی، منافقین حدود ۵ تا ۶ امریکایی را در ایران کشتند که این امریکایی ها در سفارت امریکا دیپلمات نبودند بلکه افسران و سرهنگ های بخش استراق سمع و بخش شنود مرکز شنود امریکایی ها در کبکان به شهر بودند. وظیفه این مرکز این بوده است که امریکایی ها چند صد نفر نیرو در این پایگاه مستقر کرده بودند و کار شنود شوروی سابق را انجام می دادند. منافقین، کارشناسان امریکایی این عملیات را در تهران شناسایی کردند و کشتند و اسناد و کیف این کارشناسان را گرفتند و سپس به فرانسه منتقل کردند و بعد آن را به سفارت شوروی دادند.

همچنین حدود دو ماه پس از انقلاب اسلامی، فردی به نام محمد رضا سعادت دستگیر می شود که یکی از اعضای اصلی و کادرهای بالای سازمان منافقین بود. او در هنگام ملاقات با دبیر اول سفارت شوروی سابق، می خواست کل پرونده سرلشکر مقربی که جاسوس شوروی در ارتش شاهنشاهی بود را تحویل سفارت شوروی دهد.

این پرونده حاوی اطلاعاتی مبنی بر اینکه سرلشکر مقربی چگونه دستگیر و چگونه بازجویی شده بود، است و شوروی این سفارش را به منافقین می دهد که به وسیله نفوذی هایپانشان در دادگاه انقلاب، از مراکز نگهداری اسناد رکن ۲ ارتش، این پرونده را خارج کنند.

یعنی سفارش پذیری و کار برای سرویس های اطلاعاتی صرف نظر از ماهیت و عنوان یک خصلت سازمانی است.

امروز بیشترین اطلاعات تولیدی منافقین به وسیله کار سایبری، هک و به وسیله برخی از عناصر خود فروخته انجام می شود که این کار بسیار ساده ای است، امروز برخی از بهره برداران و مشتریان منافقین، سرویس های اطلاعاتی امریکا و اسرائیل و... هستند، البته یکی از رندی های منافقین این است که این اطلاعاتی را که جاسوسی می کنند، دستکاری کرده و مطابق با ذائقه خودشان تحویل مشتریانشان می دهند.

نقش منافقین در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

امریکایی ها و فرانسوی ها متوجه شده اند که این تصویری که منافقین از خودشان ساخته اند، واقعی نیست و منافقین اصلاً در آن حد نیستند. ما امروز مشاهده می کنیم که منافقین مطرودترین اپوزیسیون در ایران هستند و بد نیست به این آمار هم نگاه کنیم که در کل اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد و تعدادی از شهروندان که به واسطه جنگ شناختی و تحریف، در بعضی از این اغتشاشات وارد شدند، گول منافقین را خوردند.



تصویر منافقین در اذهان

این تصور و نگاه جدید اروپا به توانمندی منافقین بسیار مهم است که می گویند منافقین، اصلاً در داخل ایران جایگاهی ندارند و در واقعیت، قصه کف خیابان ایران هم همین است که شما امروز به هر شهروند ایرانی که می خواهید مراجعه کنید و بپرسید که نظرشان در ارتباط با منافقین چیست؟ قطعاً همه آنها می گویند که منافقین در اصل قاتل بچه های ما در جنگ و جنایتکارهای تروریستی هستند که ۱۷ هزار نفر را در عملیات کور در تهران و شهرهای دیگر ایران در عرض سه، چهار سال به شهادت رساندند.

یعنی تصویری از منافقین در داخل کشور ما وجود دارد که آنها را یک سازمان تروریستی خطرناک و خشونت طلب می نامند و این تصویر در اپوزیسیون های خارج از کشور نیز وجود دارد که منافقین را تمامیت

در جریان دستگیری منافقین در آلبانی، مریم رجوی کجا بود؟

برخی ها معتقدند که مریم رجوی با اطلاع امریکایی ها، چند روز قبل از قصه آلبانی، به بهانه مشارکت در اجلاس و نشست بروکسل، از تیرانا خارج شده است. این یک واقعیت است که همیشه رهبران سازمان منافقین از مسعود و مریم رجوی گرفته تا دیگر رهبران این سازمان، همیشه افراد تشکیلات خودشان را قربانی سلامت و امنیت خود کرده اند. آنچه که مهم به نظر می رسد این است که اقدام امریکایی ها و فرانسوی ها به وسیله آلبانی ها در



منافقین در ازای پول همه کاری انجام می دهند

یک نکته بسیار مهم این است که اروپایی ها به این نتیجه رسیدند که اساساً تشکیلات منافقین تشکیلاتی است که در ازای پول خدمات اطلاعاتی ایجاد می کند. تنها قدرت سازمان منافقین نسبت به سایر اپوزیسیون ها، توانمندی شان در کسب اطلاعات جاسوسی است، یعنی آنها همیشه حاضرند این خدمت جاسوسی اطلاعات را برای هر کسی انجام دهند. برای مثال بنی صدر در خاطرات خود می نویسد اصلاً من تعجب کردم که در پاریس خبر ملاقات رجوی را با طارک عزیز شنیدم، به او گفتم تو ملاقات داشتی و او در پاسخ گفت بله!

در اینجا می بینیم که این یک مسأله عجیبی است که یک نفر برود با دشمن خودش قرارداد ببندد و بگوید که ما می آیم در خاک کشورت و سر باز تو می شویم! حتی در مذاکرات پنهانی که بعد از سقوط صدام اسناد آن را پیدا کرده اند، گفته شده است که رجوی با رئیس اطلاعات استخبارات عراق ملاقات داشته است و به آنها می گوید که ما سر باز شما هستیم و در عرب و عجم اگر بگردید یار و یابوری مانند منافقین پیدا نمی کنید! این قدرت اطلاعاتی آنها اروپایی ها را نگران کرده است زیرا ممکن است اطلاعاتی از اروپایی ها، توسط منافقین در اختیار یکی از کشورهای قرار گیرد.

این نکته مهم است که اروپایی ها و حتی فرانسوی ها به این نتیجه رسیده اند که منافقین آن چیزی که می گویند، نیستند و این تصور جدید چراغ سبزی است که به ما نشان داده شده است

تصمیم اروپا و فرانسه در مورد منافقین

اروپایی ها و مخصوصاً فرانسوی ها، به این نتیجه رسیدند که منافقین خارج از این رویه ای که باید مانند یک شهروند پنهاننده باشند عمل می کنند و عملاً دارند دست به اقداماتی خلاف قانون می زنند که این اقدامات، تجارت غیر قانونی، پولشویی، ارتباط با گروه های سازمان یافته خطرناک زیرزمینی و... است و این نگرانی ها منجر به این شد که سازمان منافقین باید بازرسی و تفتیش شود. اخیراً فیلمی را پلیس آلبانی منتشر کرده است که نشان می دهد منافقین در حال از بین بردن یکسری اطلاعات هستند، شاید پلیس آلبانی با انتشار این فیلم، می خواهد این پیام را برساند که منافقین خارج از رویه های عادی، یکسری پنهان کاری ها دارند که قابل توجه نیست.

نظر کارشناسان این است که اگر این اسنادی که منافقین در آن فیلم از بین می بردند، مربوط به داخل ایران بود که اصلاً جای نگرانی نبود و آلبانی ها می دانستند که از آنجا، این اقدامات علیه ایران در حال انجام است، پخش این فیلم نشانگر آن است که آلبانی ها نگران هستند که چه اسنادی در رابطه با دولت های اروپایی ممکن است بوده باشد که منافقین با اضطراب در حال سوزاندن آنها بودند.

شاید بتوان این سؤال را از محققان سرویس امنیتی آلبانی پرسید که آیا متوجه شدید که این اسناد چیست؟ این اسنادی که می سوزند، و منافقین با شلوغ کاری و جنجال، وقت خریدند تا آنها را بسوزانند، چه بودند؟

به نظر می رسد که پلیس آلبانی، باید تحقیقات خود را در این زمینه بیشتر کند تا افشا شود که چه اسنادی در رابطه با اروپایی ها و مداخلات منافقین در کشورهای اروپایی، بوده است.

